

+ حرف اول

راز مهرسکینه خانم

● **لیلا جان قربان!** هنوز هم که هنوز است با خودم می گویم پیرمرد عجب ریسکی می کرد که توی خورجین موتورش را پراز پول می کرد و توی کوچه پس کوچه ها راه می افتاد تا مستمیری بیوه های تأمین اجتماعی را به دستشان برساند. آن زمان من شش، هفت سالی بیشتر نداشتم. از بیست و هفتم تا پنجم ششم هر ماه هرگونه خروج از خانه ممنوع بود، چون قرار بود حقوق بیاید. صدای موتور که توی کوچه می پیچید ما بچه ها گوش تیز می کردیم که دم در خانه صدایش خاموش می شود یا نه! که اگر شد جلدی ببریم و به مادر جان مژده بدهیم که حقوق رسید. تازه بعدش هم بدو در خانه بی بی وزن آقا را هم می زدیم که تا وقتی مهر و دفترچه شان را آماده کنند. مادر جان یک دفترچه آبی رنگ داشت و یک مهر برنجی که هر دفعه توی استامپ فرومی کرد و یکی روی دفترچه خودش می زد و یکی روی دفترچه ای که دست آقای حقوق بود.

بعدش هم مهر را توی پارچه ای می پیچید و توی کیسه چرمی که همیشه به گردن داشت می انداخت و ما که موقع حقوق گرفتن اجازه نداشتم دور و برش باشیم برایمان سؤال بود که روی آن چه نوشته؟ من که خیال می کردم امضایش را روی مهر درآورده و برای اینکه کسی یاد نگیرد فقط مهر می زند. داداشم می گفت که عکس یک پرنده است. قسم می خورد که یک بار از روی ایوان چشم تیز کرده و دیده که روی مهر چیست. با اینکه قسم می خورد ولی ما حرفش را باور نمی کردیم چون دروغگوی قهار بود و همه چیز را به هم می یافت.

مهر برنجی برای ما سؤال بود تا اینکه یک روز آقای حقوق آمد و مادر جان خانه نبود. رفته بود تعزیه یکی از همسایه ها و قرار شد اگر حقوق آمد ما بدو برویم مسجد دنبالش. تا در را باز کردم آقای حقوق گفت: خانم سکینه شیراز بختی هستند؟ من با تعجب برگشتم و به داداشم نگاه کردم او هم حیران بود که منظورش کیست که عمه ام از بالای پله ها داد زد: «مادر جان رو می که دیگه! بدو بید برید مسجد دنبالش». همچنان ما را گیج که دید دوباره گفت: «نکنه اسم مادر جان رو نمی دونستید! مگه ندیدید اسمش روروی مهر نوشته!»

اما ما همچنان گیج بودیم. هم راز را کشف کرده بودیم و هم تازه فهمیدیم که اسم مادر جانمان چیست! آن موقع ها که پیرمرد خورجین موتورش را پراز پول می کرد و توی کوچه ها می چرخید تا حقوق بیوه های مستمیری بگیرد، رسم نبود که کسی رابه اسم صدا کنند!

تازه همین مادر جان من را توی محله به اسم «مادر ممد» صدا می کردند. ما این را هم نمی دانستیم برای چیست تا اینکه بزرگ تر که شدیم فهمیدیم اسم عمو بزرگمان محمد است.



«زهرابهرروز آذر» معاون رئیس جمهور شد

«زهرابهرروز آذر» معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده شد. زهرابهرروز آذر متولد سال ۶۰، دکترای رشته توسعه کارآفرینی از دانشگاه تهران است. او از ابتدای سال ۹۷ سمت مشاور مدیرعامل در حوزه داده های شهری و رصدخانه شهر تهران را برعهده داشت. بهروز آذر همچنین عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت بود و مدتی هم به عنوان رئیس مرکز آمار و رصد شهری انتخاب شد. او در دوره شهرداری پیروز حناچی مدیرکل امور بانوان شهرداری تهران بود. در سوابق او تجربه کار در نهادهای مدنی حوزه زنان دیده می شود و پژوهشگری حوزه کارآفرینی اجتماعی را نیز در کارنامه دارد و در این حوزه تألیفات مختلفی را انجام داده است. پیش از این انسیه خزعلی در دولت سیزدهم عهده دار سمت معاونت زنان و خانواده رئیس جمهور بود.



اولین «همایش ملی کارآفرینی و کسب و کار زنان» در ۲۸ آبان ماه سال ۱۴۰۳ برگزار می شود. اگر علاقه مند به شرکت در این همایش هستید با مراجعه به سایت همایش ثبت نام و برای ارسال مقالات اقدام کنید.

دانشگاه تربیت مدرس

در یک سال گذشته ۸ هزار و ۵۲۲ نفر از بانوان در خراسان رضوی اهدای خون کرده اند. در این مدت میانگین کشوری مشارکت بانوان ۲٫۵ درصد و خراسان رضوی ۶ درصد رشد داشته است.

شهرداری

بودجه ۷۰۰ میلیاردی برای بانوان مشهدی

رئیس کمیسیون بانوان و خانواده شورای اسلامی مشهد گفت: بودجه بخش بانوان شهرداری مشهد در دوره ششم مدیریت شهری ۷۰۰ میلیارد تومان است. این عدد در سال اول ۸۰ میلیارد بوده و اکنون در مجموع به ۷۰۰ میلیارد تومان رسیده است این در حالی که بودجه تهران در هر سال ۲۰ میلیارد تومان است.

شهرداری